

احباء و اماء رحمن محافل و مجامع ایالات متّحده و کانادا

حضرت عبدالهء

نسخه اصل فارسی



الواح فرامین تبلیغی، دوره اول (لوح هشتم) - مکاتیب

حضرت عبدالهء، جلد ۳، صفحه ۳ - ۶۳

لوح هشتم که بافتخار احباء و اماء رحمن محافل و مجامع ایالات متّحده و کانادا صبح چهارشنبه ۱۹ اپریل سنه ۱۹۱۶ در اطاق مبارک و صبح پنجشنبه ۲۰ اپریل در مسافرخانه و صبح شنبه ۲۲ اپریل در باغچه خارج روضه مبارکه در بهجی از فم مرکز میثاق صادر گشت.

﴿ هو الله ﴾

ای حواریون بهاءالله روحی لكم الفداء نفس مبارک موعود در کتاب مقدس برّ الجنود تعبیر گشته یعنی جنود آسمانی و مقصود از جنود آسمانی نفوسی هستند که بکلی از عالم بشریت منسلخ و منقلب بنفوس ملکوتی و ملائکه آسمانی گشتهاند این نفوس اشعه شمس حقیقتند که آفاق را روشن مینمایند و هر یک صوری در دست و نفعه حیات بر آفاق میدمند از صفات بشریت و عالم طبیعت نجات یافته متخلّق باخلاق الهی گردند و منجذب بنفحات رحمانی شوند مانند حواریون مسیح که مملوّ از مسیح شدند این نفوس نیز مملوّ از حضرت بهاءالله گردند یعنی محبت بهاءالله چنان مستولی بر اعضاء و اجزاء و ارکان آنها گردد که عالم بشریت را حکمی نماند. این نفوس جنود الهی هستند و فاتح شرق و غرب.



ORIGINAL

اگر نفسی از این نفوس توجه بجهتی نماید و نداء بملکوت الهی کند جمیع قوای معنویّه و تأییدات ربّانیّه معین و ظهیر او گردد ابواب را مفتوح یابد و قلاع و حصون را مهدوم بیند یک سواره بسپاه عالم زند لشکر آفاق را از یمین و یسار درشکند و صفوف عالم را خرق کند و هجوم بر قلب آفاق نماید اینست جنود الهی هر نفسی از احبّای بهاءالله باین مقام رسد حکم حواری بهاءالله یابد پس بجان و دل بکوشید تا باین مقام بلند اعلی رسید بر سریر سلطنت ابدیّه جلوس یابید و اکلیل جلیل ملکوتی بر سر نهید که درّهای دراریش بر قرون و اعصار بتابد ای یاران مهربان همّت را بلند کنید و پرواز را باوج آسمان برسانید تا قلب مبارکگان بانوار شمس حقیقت یعنی حضرت بهاءالله روز بروز روشنتر شود جانها هر دم حیات تازه یابد بکلی ظلمات عالم طبیعت زائل گردد تا نور مجسم شوید روح مصور گردید و از اینجهان بکلی بیخبر شوید و از جهان الهی خبر گیرید ملاحظه نمائید که حضرت بهاءالله چه ابوابی از برای شما گشوده است و چه مقام بلند اعلی مقدر نموده است و چه موهبتی میسر کرده است اگر از این جام سرمست شویم سلطنت این کره خاک در نزد ما از ملعبه صبیان پستتر گردد اگر اکلیل شهنشاهی این عالم را در میدان نهند و هر یک از ماها را تکلیف کنند البتّه تنزل نمائیم و قبول نکنیم و وصول باین مقام اعلی مشروط بامور است.

شرط اول ثبوت بر میثاق الله است زیرا قوه میثاق امر بهاءالله را از شبهات اهل ضلال محافظت نماید و حصن حصین امرالله است و رکن متین دین الله الیوم هیچ قوهئی وحدت عالم بهائی را جز میثاق الهی محافظه نماید و الا اختلاف مانند طوفان اعظم عالم بهائیرا احاطه نماید بدیهی است که محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس اگر میثاق واقع نشده بود و بقلم اعلی صادر نشده بود و کتاب عهد مانند اشعه شمس حقیقت عالم را روشن نموده بود امر الله بکلی پریشان شده بود و نفوسیکه اسیر نفس و هوی بودند بکلی تیشه بر ریشه این شجره مبارکه میزدند هر کس هوسی مینمود و هر نفسی سودائی میکرد با وجود این میثاق عظیم معدودی از یخزدان سمند در میدان راندند که شاید رخنهئی در امر الله نمایند الحمد لله که جمیع خائب و خاسر گشتند و سوف یرون أنفسهم فی یأس شدید پس باید اول قدم را بر میثاق ثابت نمود تا تأییدات بهاءالله از هر جهت احاطه کند و جنود ملاً اعلی معین و ظهیر گردد و نصایح و وصایای عبدالبهاء در قلوب مانند نقش در حجر نافذ و باقی و برقرار ماند.

شرط ثانی الفت و محبت بین احباب. باید یاران الهی مجذوب و مفتون یکدیگر باشند و جانفشانی در حقّ یکدیگر کنند اگر نفسی از احبّا بدیگری برسد مانند آن باشد که تشنه لبی بچشمه آب حیات رسد و یا عاشقی بمعشوق حقیقی خود ملاقات کند زیرا از اعظم حکمت الهی در ظهور مظاهر مقدّسه این است که نفوس مأنوس یکدیگر گردند و قوه محبت الله جمیع را امواج یک دریا نماید و ازهار یک بوستان کند

و نجوم یک آسمان نماید اینست حکمت ظهور مظاهر مقدسه. چون این موهبت عظمی در بین قلوب احباً جلوه نماید عالم طبیعت منقلب گردد ظلمات امکان زائل شود نورانیت آسمانی حصول یابد آنوقت جمیع جهان جنت ابری گردد و هر یک از احبای الهی شجره مبارکه شود و اثمار بدیعه بار آرد ای یاران الفت الفت محبت محبت اتحاد اتحاد تا قوه امر بهائی در عالم وجود ظاهر و آشکار گردد الآن بیاد شما مشغولم و این قلب در نهایت هیجان اگر بدانید که این وجدان چگونه منجذب یاران است البتّه بدرجهئی فرح و سرور یابید که کلّ مفتون یکدیگر گردید

شرط ثالث آنکه مبالغینی باطراف مملکت بلکه باطراف عالم سفر نمایند ولی نظیر عبدالبهاء که در بلاد امریکا سفر نمود و از هر آلودگی پاک و مقدّس و در نهایت انقطاع چنانکه حضرت مسیح میفرماید چون در شهری وارد شوید غبار آنشهر را نیز از نعلین خویش بیفشانید ملاحظه نمودید که در امریک بسیاری از نفوس در نهایت الحاح و اصرار خواستند که هدیهئی تقدیم نمایند و این عبد نظر بوصایا و نصایح جمال مبارک ابدأ چیزی قبول نمود با وجود آنکه در بعض اوقات عسرت شدید بود اما اگر نفسی لله و فی الله بصرافت طبع و طیب خاطر اعانهئی نماید مجرد بجهت سرور آنشخص چیزی جزئی قبول بنماید ولی باید بنهایت قناعت بگذراند.

مقصود اینست که باید نیت خالص باشد و قلب مستغنی و روح منجذب و فکر مستریح و عزم و اراده شدید و همت بلند و در محبت الله شعله افروخته باشد اگر چنین گردد نفس طاهرش در صخره تأثیر نماید و الا هیچ ثمری ندارد نفسی تا خود کامل نگردد چگونه میتواند نقص دیگران را زائل نماید تا خود منقطع الی الله نشود چگونه میتواند دیگران را منقطع کند

باری ای احبای الهی بکوشید تا ترویج دین الله و نشر تعالیم الهی بجمیع وسائل نمائید.

از جمله تشکیل محفل تبلیغ است که نفوس مبارکه و قدمای احباب نورسیدگان محبه الله را در مدارس تبلیغ جمع نمایند و جمیع براهین و ادله و حجج بالغه الهیه را تعلیم دهند و تاریخ امر را تشریح نمایند و آنچه ادله ظهور موعود در کتب و صحف الهیه از قبل موجود آنها را نیز تفسیر کنند تا نورسیدگان در جمیع این مراتب ملکه تامه حاصل نمایند.

و همچنین هر وقت ممکن شود یک دائره ترجمه الواح تأسیس شود نفوس کاملی که در لسان فارسی و عربی و السنه اجنبیه یا در یک لسان از السن اجنبیه متمکن و ماهرند بترجمه الواح و کتب استدلالیه مباشرت نمایند و طبع نموده در اقالیم خمسّه عالم نشر دهند.

و همچنین مجله نجم باختر را در نهایت انتظام تحریر نمایند ولی مندرجات باید مروج امر الله باشد تا کل در شرق و غرب مطلع بر وقایع مهمه گردند.

باری در جمیع محافل چه عمومی و چه خصوصی از صدد خارج چ صحبتی ندارند جمیع مقالات را حصر در امر الله نمایند صحبت‌های متفرقه بمیان نیاید و جدال بهیچ وجه جائز نه و مبلغین که باطراف میروند باید لسان هر مملکتی که داخل میشوند بدانند مثلاً نفسی که در لسان ژاپون ماهر به مملکت ژاپون سفر نماید نفسی که در لسان چینی ماهر بمملکت چین بشتابد و علی هذا المنوال.

باری بعد از این حرب عمومی ناس را بجهت استماع تعالیم الهی استعدادی فوق العاده حاصل گردد زیرا حکمت این حرب اینست تا بر کل معلوم شود که آتش حرب جهانسوز است و انوار صلح عالم افروز این ملمات است و آن حیات این فناست و آن بقا این نعمت کبری است و آن نعمت عظمی این ظلمات است و آن انوار این ذلت ابدیه است و آن عزت سرمدیه این مخرب بنیان بشر است و آن مؤسس سعادت انسانی. لهذا اگر نفوسی بشروط مذکوره قیام نمایند و باطراف جهان شتابند علی الخصوص از امریک بقطعه اوروپ و افریک و آسیا و استرالیا بشتابند برژاپون و چین بروند و همچنین از آلمان مبلغین و احباب باقلم امریک و افریک و ژاپون و چین سفر نمایند خلاصه بعموم ممالک و جزائر عالم سفر کنند در اندک زمانی نتایج عظیمه حاصل گردد و علم صلح عمومی در قطب عالم موج زند و انوار وحدت عالم انسانی جهانرا روشن نماید.

باری ای احبای الهی صریح کتاب الهی اینست که اگر دو نفس در مسئله از مسائل الهیه جدال و بحث نمایند و اختلاف و منازعه نمایند هر دو باطل اند حکمت این امر قطعی الهی اینست که در میان دو نفس از احبای الهی جدال و نزاع نشود بنهایت الفت و محبت با یکدیگر گفتگو کنند اگر اندک معارضهتی بمیان آید سکوت کنند دیگر ابداً طرفین تکلم نمایند و حقیقت حال را از مبین سؤال کنند این است حکم فاصل و علیکم و علیکن البهاء الأبهی.

مناجات

إلهی تری قد اشتد الظلام الخالک علی کل الممالک و احترقت الآفاق من نائرة النفاق و اشتعلت نيران الجدال و القتال فی مشارق الأرض و مغاربها فالدماء مسفوكة و الأجساد مطروحة و الرؤوس مذبوحة علی التراب فی میدان الجدال. ربّ ربّ ارحم هؤلاء الجهلاء و انظر إليهم بعین العفو و الغفران و

أطفأ هذه النيران حتى تنقشع هذه الغيوم المتكاثفة في الآفاق حتى تشرق شمس الحقيقة بأنوار الوفاق و
ينكشف هذا الظلام ويستضيء كل الممالك بأنوار السلام. رب أنقذهم من غمرات بحر البغضاء و
نجهم من هذه الظلمات الدهماء و آلف بين قلوبهم و نور أبصارهم بنور الصلح و السلام رب نجهم من
غمرات الحرب و القتال و أنقذهم من ظلام الضلال و اكشف عن بصائرهم الغشاء و نور قلوبهم بنور
الهدى و عاملهم بفضلك و رحمتك الكبرى و لا تعاملهم بعدلك و غضبك الذي يرتعد منه فرائص
الأقوياء رب قد طالت الحروب و اشتدت الكروب و تبدل كل معمور بمطمور رب قد ضاقت الصدور و
تغرغرت النفوس فارحم هؤلاء الفقراء و لا تركهم يفرط فيهم من يشاء بما يشاء رب ابعث في بلادك
نفوساً خاضعة خاشعة منورة الوجوه بأنوار الهدى منقطعة عن الدنيا ناطقة بالذكر و الثناء ناشرة لنفحات
قدسك بين الورى رب أشدد ظهورهم و قوى أزورهم و اشرح صدورهم بآيات محبتك الكبرى رب
إنهم ضعفاء و أنت القويّ القدير و إنهم عجزاء و أنت المعين الكريم رب قد تموج بحر العصيان و لا تسكن
هذه الزوابع إلا برحمتك الواسعة في كل الأرجاء رب إن النفوس في هاوية الهوى فلا ينقذها إلا أطفافك
العظمى. رب أزل ظلمات هذه الشهوات و نور القلوب بسراج محبتك الذي سيضيء منه كل الأرجاء و
وفق الأحباء الذين تركوا الأوطان و الأهل و الولدان و سافروا إلى البلدان حباً بجمالك و انتشاراً
لنفحاتك و بئاً لتعاليمك و كن أنيسهم في وحدتهم و معينهم في غربتهم و كاشفاً لكربتهم و سلوة في
مصيبتهم و راحة في مشقتهم و رواء لعلتهم و شفاء لعلتهم و برداً للوعتهم إنك أنت الكريم ذو الفضل
العظيم و إنك أنت الرحمن الرحيم. (عبدالبهاء عباس)